



گفتگوی راه توده با داریوش فروهر در سال 1374 و انگیزه های سیاسی صدور فتوای قتل وی

دیداری که دیگر تکرار نشد! - دیماه 1374 داریوش فروهر در کشور آلمان تحت عمل جراحی ستون فقرات قرار گرفت. یک جراح متخصص ایرانی این عمل دشوار را در یکی از بیمارستان های جنوب آلمان رهبری کرد. او خود سرپرست بخش ویژه بیمارستانی بود که این عمل دشوار در آن انجام شد.

پس از انجام عمل جراحی، هفته های دوران نقاهت را داریوش فروهر در شهر فرانکفورت آلمان سپری کرد. شهری که دخترش «پرستو» در آن ساکن بود. در همین دوران، او که هرگز با استراحت و تکیه بر عصا سر سازش نداشت ریزنی ها و دیدارهای سیاسی اش را سازمان داد. رهبری حزب ملت ایران در داخل کشور و در آخرین ماه های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی اطلاعیه و فراخوان «جبهه مردم سالاری» را منتشر کرده بود و داریوش فروهر ضمن تشریح مبانی این جبهه برای احزاب و سازمان های سیاسی خارج کشور، خود نیز سرعت آماده بازگشت به کشور می شد. در همین هفته های استراحت و ریزنی، چند تن از اعضای شورای سردبیری و سیاست گذاری راه توده با وی دیدار و گفتگو کردند. در این دیدارها، علاوه بر رهبر حزب ملت ایران که گردن و بخشی از کمرش در گچ بود و به دشواری بر یک صندلی لهستانی چوبی قامتش را راست نگهداشته بود دو تن از اعضای دفتر اروپائی حزب ملت ایران نیز شرکت داشتند.

این گفتگوها چند محور عمده داشت:

- شکست برنامه تعدیل اقتصادی هاشمی رفسنجانی و انتخابات آینده مجلس پنجم که تدارک آن دیده می شد،
 - ناممکن شدن ادامه فضای بسته سیاسی در ایران و اوج گیری جنبش مردم،
 - ضرورت بازنگری قانون اساسی با هدف مردم سالاری در ایران،
 - حضور احزاب قدیمی و شناخته شده در صحنه سیاسی ایران و شکست احزاب حکومتی،
 - جدائی دین از حکومت و ضرورت سیاسی ماندن دین،
 - کوشش تاریخی برای تشکیل یک جبهه گسترده از همه نیروهای طرفدار مردم سالاری در ایران با هر عنوان،
- و یک سلسله مسائل گری دیگر جنبش مردم که امروز نیز علیرغم در خون غرقه شدن داریوش فروهر و همسرش و غایب بودنشان در جمع رهبران احزاب و سازمان های سیاسی ایران همچنان در دستور کار جنبش مردم ایران است، در آن دیدار به بحث گذاشته شد.

فروهر با دقت گوش می داد و با دقت پاسخ می گفت و این خصلت برجسته حاصل 5 دهه حضور در صحنه مبارزه و سیاست در ایران بود. این دقت را وسواس ویژه او در دفاع از تمامیت ارضی ایران و حفظ اسرار دیدارها و گفتگوهایش و پرهیز از بردن نام افراد کامل می کرد، که این نیز حاصل بارها زندان و پس دادن بازجویی در زمان شاه و جمهوری اسلامی بود.

فروهر نیز، در نیمه سال 1374 یقین داشت که دوران نوینی در ایران آغاز شده است و مردم سرعت سیاسی شده و به صحنه باز می گردند. می دانست که این فصل نوین، به جسارت و شهامتی تاریخی برای حضور در صف نخست جنبش مردم نیازمند است و به همین دلیل برای بازگشت به ایران روز شماری می کرد. واقعا، روز شماری می کرد!

نسبت به انتخابات مجلس پنجم و تاثیر گذاری بر نتایج آن با تردید می نگریست و این تردید را تا انتخابات خرداد 76 نیز حفظ کرد. پس از پیروزی محمدخانی در این انتخابات او بیش از گذشته به امکان تاثیر گذاری بر روند رویدادها امیدوار شد.

دیدارها و ریزنی ها ابعاد وسیعتری در داخل کشور به خود گرفت و پاره های نقارها با نهضت آزادی ایران به دیدارها و تفاهمها انجامید. عیای آیت الله زنجانی و آیت الله طالقانی بر شانه یوسفی اشکوری نشسته بود. روحانی خوش اندیش و نو اندیشی که پل پیوند بین ملیون و ملی مذهبی ها شده بود و به همین جرم پر افتخار و به یاد ماندنی زندانی شد و حکم تکفیر و ارتداد از ارتجاع مذهبی گرفت!

برخلاف ادعای رهبر جمهوری اسلامی در نماز جمعه تهران، داریوش فروهر می رفت تا به یکی از عمده های خیمه جنبش نوین مردم ایران تبدیل شود. وی پس از قتل ناجوانمردانه فروهر، ضمن اعتراف به اتحاد و بیعت فروهر با آیت الله خمینی در پاریس و حضورش در حاشیه شورای انقلاب و متن کابینه موقت و کابینه میرحسین موسوی مدعی شد که او پیش از انقلاب دوست ما بود، بعد از انقلاب همکار ما ولی بعدها مخالف ما، اما خطری نبود!

رهبر جمهوری اسلامی نگفت که در کدام گذرگاه امثال وی حسابشان را از انقلاب و مردم جدا کردند و به راهی رفتند که امثال فروهر در مقابلشان صف کشیدند! همین ادعا را هاشمی رفسنجانی نیز، که روزگاری در زندان های شاه نسبت به احترامی که حضور فروهر در زندانها بر می انگیزت رشک می برد بر زبان آورد. در این میان آنکه صادقانه در باره داریوش فروهر و باورهای



دینی، اخلاقی و سیاسی اش سخن گفت، مانند همیشه آیت الله منتظری بود که بر مسلمان بودن، جسور بودن و مبارز بودن فروهر مهر تأیید نهاد و همه بافته‌های امثال روح‌الله حسینیان را برای مرتد و ناصبی خواندن فروهر پنبه کرد!

در تمام دورانی که از قتل فروهر و همسرش می‌گذرد، همه نوع اظهار نظری در باره این قتل، انگیزه‌های حکومتی آن، فتاوی مذهبی آن و... شده است، که هر کدام گوشه‌ای از واقعیت بوده‌است، اما این هنوز همه انگیزه این جنایت نیست.

قتل فروهر و همسرش در همان بیم و هراسی ریشه داشت که قتل‌عام زندانیان سیاسی را موجب شد، همان هراسی که برکناری آیت الله منتظری را با خود همراه داشت، همان بیم و هراسی که یورش به کنفرانس برلین و توطئه برهم زدن و سپس دستگیری شرکت کنندگان آن را بدنبال آورد، همان هراسی که یورش به ملی-مذهبی‌ها، یورش به مطبوعات، ترور سرلشکر صیادشیرازی، ترور دکترسامی، یورش به حزب توده‌ایران، ترور سعید جباریان و توطئه‌های در حال شکل‌گیری را در بر داشت و دارد.

ریشه این هراس باز می‌گردد به حضور متشکل و سازمان یافته مخالفان غارت کشور، رسوا کنندگان مافیای اقتصادی، طرفداران باز شدن دفتر خون آلود جنایات 20 ساله، بازکنندگان مشت شیادانی که از انقلاب دم می‌زنند اما خود مجسمه تمام نمای ضد انقلابند!

یوسفی اشکوری در زندان است، زیرا سازمانده کنگره ملی-مذهبی‌ها و از طراحان پیوند مهاجرین میهن دوست با سیاسیون و مبارزان داخل کشور بود و با همین هدف در کنفرانس برلین شرکت کرده بود.

دکتر پیمان و عزت‌الله سبحانی در زندانند زیرا کار نیمه تمام اشکوری را پی گرفته بودند.

داریوش فروهر به قتل رسید زیرا محور تجمع نیروهای ملی و تشکیل یک جبهه در داخل کشور شده بود، دگراندیشان مذهبی حاضر در جبهه اصلاحات و در درون حاکمیت در حلقه محاصره انواع توطئه‌ها و خطر دم افزون یورش و شبیخون قرار دارند زیرا دایره حکومت را شکافته و از مرزهای خودی و غیر خودی می‌خواهند عبور کنند.

ظاهر احمدزاده، این حافظ قرآن در زندان است زیرا به یکی از ستون‌های خیمه‌ای تبدیل شده که در زیر آن برای همه اصلاح طلبان داخل و خارج حاکمیت جا هست!

ادعای آنها که فتاوی قتل فروهر را صادر کردند، همان نقطه نظراتی است که امثال فروهر روز به روز بیشتر به آن اعتقاد یافته و برای برپائی یک جبهه آن را مبنای اتحاد قرار داده‌اند! این نهال، که 150 سال خون پای آن ریخته شده تا بارور شود، باید به بار بنشیند! نامش هرچه می‌خواهد باشد، اما هدفش باید تجمع و اتحاد همه نیروهای میهن دوست برای نجات کشور باشد.

این نقطه نظرات کدام بود و فروهر در باره گرهی ترین مسائل جامعه ایران و جنبشی که هنوز در سال 74 عده‌ای به دشواری می‌توانستند سایه حضور آن را در صحنه مبارزه و پیکار کنونی باور کنند چگونه می‌اندیشید؟

هر ملی‌گرا و مذهبی‌اندیشی آنگونه بیاندهد که فروهر می‌اندیشید، فروهر است و هر دگراندیشی که توده‌ای و مردمی بیاندهد انقلابی است و امروز دهها میلیون مردم ایران، حتی اگر همه آنها فروهر را نشناسند و یا ندانند در گلستان خاوران چه کسانی در گورهای دسته‌جمعی دفن شده‌اند فروهراند و انقلابی و صادر کنندگان فتاوی قتل و قتل‌عام دهها میلیون مردم ایران را در برابر خود دارند!

داریوش فروهر به جرم کدام اندیشه و تلاش به قتل رسید؟

راه‌توده: بحث در باره آزادی احزاب، در چارچوب جنبش آزادیخواهی مردم ایران مطرح است، اما سران حکومت برای گریز از پاسخگویی به این خواست ملی، مسئله حزب‌سازی را مطرح می‌کنند و به ستیز خود با احزاب قدیمی و شناخته شده ایران ادامه می‌دهند. شما در باره امکان فعالیت آزاد و یا کمتر محدود حزب ملت ایران چه نظری دارید؟

داریوش فروهر: من اظهارات اخیر حجت‌الاسلام رفسنجانی در باره حزب‌سازی حکومتی را به عنوان رئیس جمهور بیشتر یک ترفند انتخاباتی تلقی می‌کنم تا اعتقاد به باز کردن زمینه فعالیت برای حزب‌های دگراندیش و ساختن حزب از سوی ایشان. نگاهی به گذشته جمهوری اسلامی، بخصوص با اشاره به گفته ایشان که گفته‌اند در ایران حزب جدی وجود نداشته، باید یادآوری خوبی باشد.

در آستانه انقلاب، بزرگترین نیروی شکل دهنده خیزش‌هایی که به انقلاب منجر شد، حزب‌هایی بودند که در صحنه حضور داشتند، که هر یک سال‌های دراز پیکار با دیکتاتوری را پشت سر داشتند. در همان دوران آقای رفسنجانی و یارانش با شتاب هرچه تمامتر یک حزب در پناه دولت و یا حزب در پناه مرکز قدرت سرهم کردند به نام "حزب جمهوری اسلامی". آنها با تکیه به این افزار، همه حزب‌های جدی را سرکوب کردند. آنها نیروهای فشاری را که اکنون کارشان به اوج رسیده به میدان آوردند. مراکز احزابی را که پس از سالیان دراز سلطه ستیزی به آزادی‌های نسبی رسیده بودند، باشگاه داشتند، روزنامه داشتند، زیر ضربه گرفتند و از صحنه خارج ساختند. ایشان مدتی هوادار سیستم تک حزب بود. حزب جمهوری اسلامی که حتی تشکل‌های کوچک هوادار خودشان را هم یا در آن ادغام کردند و یا به تعطیل کشاندند، ولی بعد از مدتی رهبر برگزیده خبرگان و همین رئیس جمهور ادامه فعالیت آن را



صلاح ندانستند و آن را تعطیل کردند. در این سالها همواره تکیه آقایان در گفتارها و نوشتارهایشان بر این بوده است که در ایران حزب جدی وجود ندارد. حتی پیش از سخنان اخیر رئیس جمهور، یکی از آنان که در بازیهای هیأت مؤتلفه اسلامی سهم بسزایی دارد، این موضوع را پیش کشید که بهرحال باید حزبی وجود داشته باشد. بهرحال من فکر می‌کنم آقای رفسنجانی هیچوقت در کار زمامداری‌شان از یک شیوه یکنواخت سنجیده بهره نگرفته‌اند. در زمینه‌های گوناگون هر روز یک نغمه‌ای را ساز کرده‌است و روز بعد نغمه‌ای مخالف آن را. ایشان بیشتر در اندیشه نگهداشتن قدرت خودشان هستند. اکنون شاید چند نفر آنها که نامشان تکنوکرات گذاشته شده و دور و بر ایشان را گرفته‌اند هوس داشته باشند که به نوعی زمامداری ایشان دنباله پیدا کند و در این راستا بخواهند حزبی هم تشکیل بدهند. اینجاست که من باید بگویم حزبی که ایشان تشکیل بدهند حزبی جدی نخواهد بود و به رغم بهربرداری از همه امکانات دولتی به جایی نخواهد رسید. از سوی مردم پشتیبانی نخواهد شد. یک عده کادر مزدبگیر، که دلشان برای نشستن پشت کرسی‌های قدرت لک زده جمع خواهند شد که تازه تصور نمی‌کنم با توجه به برخوردهای درونی گسترده سردمداران جمهوری اسلامی با شتابی که به نزدیک شدن انتخابات آینده در جریان است این برنامه هم اجرا شود. البته بین انتخابات پنجمین دوره مجلس و انتخابات رئیس جمهوری حدود یک سال فاصله است. شاید ایشان این شوخی را بخواهند برای آن هنگام تدارک ببینند.

راه‌توده: اهداف اقتصادی- اجتماعی جبهه‌ای که حزب شما فراخوان آن را انتشار داد و "جبهه مردم سالاری" اعلام داشت چیست؟

فروهر: این فراخوان از سوی دبیرخانه حزب ملت ایران، با تصمیم شورای مرکزی حزب، هنگامی اعلام شد که من به لحاظ بیماری خارج از کشور بودم و تنها توانستم شنونده آن باشم، ولی بهرحال در جریان پشتیبانی‌هایی که در خارج و درون کشور از این تلاش برای شکل سازمانی دادن به جنبش خواستار مردم سالاری در ایران از راه پدید آوردن یک جبهه فراگیر به عمل آمد قرا رگرفتم و تا آنجا که می‌دانم در درون ایران هواداران این طرز فکر نکاپوهای گسترده‌ای را در هفته‌های گذشته برای جلب پشتیبانی داشته‌اند. در بیرون از کشور هم نمایندگان حزب ملت ایران و همچنین خود من با سایر سازمان‌های سیاسی، بخصوص و بیشتر با سازمان‌های چپ‌گرا که بیشتر از دیگر سازمانها از این تفکر پشتیبانی کردند نشست‌هایی داشته‌ام و من امیدوارم این کار به نتیجه برسد. متأسفانه به علت فشارهای چند سال گذشته، سازمان‌های سیاسی داخل کشور بسیار محدود شده‌اند و شاید آن فراگیری لازم را نداشته باشند، لذا در آن فراخوان خواسته شد که نخبگان گروه‌های اجتماعی هم به چنین تشکیلی بپیوندند. از استاد دانشگاه گرفته تا کارگر، پزشک، بازاری، مهندسین و بالاخره همه کسانی که می‌توانند هسته مرکزی این تشکیل جدید را شکل بدهند. نام این تشکیلی جدید بر جنبش خواستار مردم سالاری در ایران تکیه دارد و شاید جبهه‌اش هم بخواهد همان نام را داشته باشد، ولی از سوی رهبری حزب ما هیچ تعصبی در باره نام وجود ندارد. می‌توان نام آن را جبهه آزادیخواهی گذاشت، می‌توان جبهه ملی را زنده کرد، ولی یادتان باشد که جبهه ملی محدود شده در سه یا چهار سازمان دیگر زمانش گذشته است. مصدق بزرگ هم در آخرین رهنمودهایش ذکر کرد که درهای جبهه ملی به روی همه نیروهای خواستار آزادی و استقلال ایران باید باز باشد. ما هم در این فراخوان بیشتر روی هدف‌های انقلاب که عبارت بود از استقلال ملی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی تکیه کردیم که چنین جبهه فراگیری با اینکه لبه تیز را روی خواست مردم سالاری قرار می‌دهد نباید از هدف‌های بنیادین انقلاب دور باشد.

راه‌توده: اجازه بدهید، پیش از پرداختن به بقیه مسائل، همینجا بپرسم، واکنش حکومت را در آینده نزدیک که به ایران باز گردید چگونه ارزیابی می‌کنید؟ در ارتباط با فراخوان "جبهه مردم سالاری" این سؤال را طرح می‌کنم.

فروهر: اول باید بگویم که من در کار انجام شده حضور روشن نداشتم. رهبری حزب ملت ایران در این عرصه حضور داشته و من هنوز فشار غیر عادی بر آنها را نشنیده‌ام و بطور کلی فشار را در این زمان به سود سردمداران جمهوری اسلامی نمی‌بینم. آنها در وضعی قرار دارند که ناگزیرند به افکار عمومی مردم ایران و جهان توجه داشته باشند. به این دلیل فکر می‌کنم در بازگشت به ایران با مشکلی مواجه نخواهم بود، ولی دست بالایش را که بگیریم، وظیفه ملی ایجاب می‌کند که ایران را از تنگنای کنونی نجات بدهیم و در راه انجام وظیفه از این که حکومت چنین و چنان کند، حتی اگر بدترین آن در انتظار باشد هراسی ندارم.

راه‌توده: وسعت محدودیت‌هایی که حکومت بر فعالان سیاسی و احزاب سیاسی ایران اعمال می‌کند اغلب و بویژه در دوران

اخیر که نوعی فعالیت محدود در مصاحبه‌های شما و دیگران تحمل می‌کند تا چه حدود است؟

فروهر: این از شوخی‌های سردمداران جمهوری اسلامی است. فضای باز سیاسی در ایران به معنای برخورداری حزب از امتیازات لازم وجود ندارد. در پاره‌ای اوقات تحمل برخی اعلامیه‌ها از جانب احزاب به چشم می‌خورد، اما این به معنای فضای باز سیاسی برای احزاب و بطور کلی برای نشریات آنها نیست. احزاب از امتیازات لازم برخوردار نیستند. مثلاً باشگاه حزب ملت ایران از سال‌ها پیش اشغال شده است، نشریه حزب ملت ایران «آرمان ملت» یکی از نشریاتی بود که در 19 خرداد 1360 بی سبب، حتی پیش از آن شبه کودتای واپسگرترین جناح جمهوری اسلامی، همراه با روزنامه "مردم"، "میزان"، "انقلاب اسلامی"، "عدالت" توقیف شد. از آن تاریخ تاکنون هیچکس اعلام نکرده‌است که این نشریه‌ها می‌توانند منتشر شوند. حتی یک آگهی ختم از جانب ما را بسیاری از روزنامه‌ها، مانند دشنام نامه "کیهان" چاپ نمی‌کنند. ما حتی یک کارت تبریک نوروزی را نمی‌توانیم در چاپخانه‌های ایران چاپ کنیم. باید کارت را به وزارت ارشاد فرستاد و این وزارتخانه اجازه چاپ آن را بدهد، که البته هیچوقت هم چنین اجازه‌ای را نداده‌اند. در ایران برخی حزب‌ها که توانسته‌اند زیر فشار دیکتاتوری هستی سازمانی خود را حفظ کنند بر ادبیات زیراکسی تکیه داشته‌اند. حتی در ماه‌های گذشته فضای سیاسی کشور تنگتر شده و آقایان گام‌های خوفناک دیگری را در زمینه محدود کردن باز هم بیشتر آزادی‌ها می‌خواهند بردارند. تظاهرات اخیر گروه‌های فشار و تهاجم در خیابان‌ها، خلاف تبلیغاتی است که در باره فضای باز سیاسی رایج



می‌کنند، البته در میان سردمداران جمهوری اسلامی بازي‌هائي در مورد برقراري فضاي آزاد وجود دارد که من هرگز به آن باور ندارم.

راه‌توده: عوارض ناگوار برنامه “تعدیل اقتصادی” دولت رفسنجاني و متحد نزدیک آن، یعنی گروهبندی رسالت- موفله اسلامی بسرعت در جامعه ما خود را نشان داد. حتی در نشریات وابسته به سازمان‌هاي چپ مذهبي ایران نیز این واقعیت منعکس است. حزب ملت ایران این برنامه و اصولاً وضع اقتصادی کشور را چگونه می‌بیند؟

فروهر: بررسی وضع اقتصادی کشور و آنچه جمهوری اسلامی کشور را دچار ورشکستگی کرده و گرانی وحشتناکی بوجود آورده، پیوسته در نشریات و اطلاعیه‌هاي حزب ملت ایران منعکس بوده‌است و حتی در اطلاعیه مربوط به فراخوان جبهه مردم سالاری نیز، در بخش مربوط به عدم توانایی جمهوری اسلامی، بویژه در زمینه اقتصادی به آن اشاره داشته‌ایم ولی دادن برنامه می‌تواند دو جنبه گوناگون داشته باشد، در يك برنامه کلیات مورد در خواست مطرح می‌شود. ما این کلیات را گفته‌ایم و حتی وقتی حکومت 180 درجه تغییر مسیر داد و از تعدیل اقتصادی و سیاست بازار سخن گفت ما فریب این سیاست بانک جهانی را نخوردیم و مثل آقای هاشمی از حول حلیم در دیگ آن نیفتادیم، ولی برنامه ریزی به معنای دقیق کلمه برای ریشه کن کردن فقر، شتاب بخشیدن به روند رشد جامعه و مسائلی اینگونه تخصصی و ریشه‌اي نیازمند آمار و ارقام واقعی در باره درآمد و هزینه‌هاي کشور است. این آمارها در اختیار ما نیست. البته بی شک اگر آن جبهه خواستار مردم سالاری پی ریزی بشود در این زمینه بطور بازتر و دقیق‌تر اظهار نظر خواهیم کرد.

راه‌توده: در حالیکه از ضرورت اتحاد همه نیروها سخن در میان است و همگان به يك “جبهه” فراخوانده می‌شوند چرا پاره‌اي اختلاف دیدگاهها بین حزب ملت ایران و نهضت آزادي ایران هرچه زودتر از میان برداشته نمی‌شود؟ وقتی اتحادها مطرح است، طبعاً اختلاف دیدگاهها باید تحمل شود.

فروهر: پیش از هرچیز خوب است از این وضع که نیروهاي ناسازوار با جمهوری اسلامی با هم هماهنگ نیستند ابراز تأسف کنیم. در مورد نهضت آزادي باید بگویم که آنها از لحاظ ایدئولوژی به آنچه که در جمهوری اسلامی هست نزدیک‌ترند تا به حزب ملت ایران. ما اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی صرفنظر از نقائص بزرگ آن، در آمیختن آموزش‌هاي دینی با ضابطه‌هاي دولتی است و به همین دلیل خواستار شدیم که بعد از 16 سال آزمایشی که برای ملت ایران اندوهبار بوده‌است، هنگام آن رسیده است که از جدائی دین و دولت حمایت کنیم. من در باره جدائی دین و حکومت صحبت می‌کنم و صحبت‌م ارتباطی با جدائی دین از سیاست ندارد. تفاوت اساسی حزب ملت ایران و نهضت آزادي در همین است. سخن فقط بر سر شوراي رهبري یا رهبر، حقوق بشر یا حاکمیت ملی ناسازوار با فرا گذاشتن پا از حدود قانون نیست، صحبت بر سر این است که قانون اساسی در راستای جدا کردن دین از دولت باید مورد بازنگری قرار گیرد، در صورتیکه نهضت آزادي خود را ملتزم به قانون اساسی نشان می‌دهد. دنبال این طرز فکر این می‌شود که به قانون اساسی و قانون هائي که به پیروي از آن نوشته شده‌اند احترام گذاشته شود.

راه‌توده: ما اطلاع داریم که برخی احزاب دیگر نیز در داخل کشور فعال شده‌اند. حتی صحبت از وحدت دوباره در حزب مردم ایران مطرح است. مناسبات شما با این احزاب چگونه‌است؟

فروهر: در مورد “جنبش مسلمانان مبارز” و “جنبش انقلابی مردم ایران” و بالاخره “حزب مردم ایران” ابتدا باید بگویم که آنها همگی بشکلی واحد از سازندگان جبهه ملی بوده‌اند. البته از دوران‌هاي پویانی جبه ملی صحبت می‌کنم. ما پیوسته با آنها در تفاهم بوده‌ایم. حتی با حزب مردم ایران که به دلیل دو جدائی پیش آمده در این حزب، از فعالیت موثر بازمانده بود. اینها (مجموعه حزب مردم ایران) اکنون در کنار هم اعلامیه‌هائي می‌دهند که در آنها بر شعار “استقلال، آزادي و عدالت اجتماعی” تأکید می‌شود. حزب ایران نیز بتدریج خود را از زیر فشار بیرون می‌کشد. به این ترتیب 3 حزب قدیمی ایران، یعنی حزب ایران، حزب مردم ایران و حزب ملت ایران به دلیل دیدگاه‌هاي بنیادینی که دارند در کنار هم قرار گرفته‌اند. از آنجا که اتحاد و همکاری سازماندهان سیاسی به نسبت تجمع افراد دارای اهمیت بیشتر است، حزب ما از این همکاری استقبال می‌کند. هم اکنون هم کوشش‌هاي گسترده‌اي برای تشکیل يك جبهه فراگیر در کار است. امیدوارم کمبود سازمان‌ها را بتوان با گزینش افرادی از میان نخبگان اجتماعی جبران کرد. بهرحال اصل همانا رویارویی با خودکامگی و تلاش برای بازنگری در قانون اساسی و پدید آوردن بنیادهاي حاکمیت ملی است که برتر از هر چیز است.

راه‌توده: ببخشید که حرف شما را قطع می‌کنم. ممکن است این تمرکز زدائی را با توجه به خواست‌هاي مربوط به “خودگرانی” یا “خودمختاری” توضیح بدهید؟

فروهر: جبهه باید بر شیوه مردم سالاری تکیه بکند و از تمرکز گرانی اجتناب کند. همان تمرکز گرانی که در زمان پهلوي‌ها شروع شد و در جمهوری اسلامی ادامه یافت. دادن اختیار اداره هر نقطه از کشور به مردم آنجا باید شکل بگیرد. اعتقاد من اینست که باید مبارزه را به درون مردم و به گوشه و کنار ایران برد. تنها در چنین صورتی ایران آینده در سامانی نو بازسازی خواهد شد.

راه‌توده: بحث مربوط به دین، سیاست و دولت بسیار حساس شده‌است. باتوجه به بافت مذهبی جامعه، ما خودمان طرفدار هرچه سیاسی تر شدن مردم و توده‌اي تر شدن جنبش هستیم و اصولاً اعتقاد داریم که در سال‌هاي پس از پیروزي انقلاب، دین و باورهاي مذهبی مردم با سیاست در هم آمیخته است و بهمین دلیل حضور سیاسی نیروهاي وسیع و توده‌اي مردم مذهبی را در جامعه



مثبت ارزیابی می‌کنیم. با توجه به بافت فرهنگی-سیاسی جامعه، ما بدین طریق از مشارکت سیاسی فعال توده‌های وسیع مردم ایران در سرنوشت کشور دفاع می‌کنیم و معتقدیم تعمیق و آگاهی بیشتر بینش سیاسی توده‌های وسیع مردم به سود منافع ملی کشور است. به همین دلیل نیز در کنار دفاع از ضرورت آزادی همه احزاب سیاسی از آزادی احزاب سیاسی با اندیشه‌های مذهبی نیز دفاع می‌کنیم. برخی بلند پایگان حکومت، آگاهانه شعار مربوط به جدائی دین از حکومت را تحریف کرده و در ستیز با مخالفان و بمنظور تحریک مردم علیه آنها مدعی می‌شوند که "می‌خواهند دین را از سیاست جدا کنند". حتی زیر این جو سازی، دفاع از روحانیت حکومتی را به وظیفه الهی - سیاسی مردم می‌خواهند تبدیل کنند. همان روحانیتی که بی‌تردید در بوجود آمدن مشکلات کنونی ایران سهم بزرگی را داشته است. حزب شما در این باره چگونه می‌اندیشد؟

فروهر: ما اعتقاد به حذف نیروهای مذهبی از صحنه سیاسی کشور نداریم. من اگر صحبت از جدائی دین و دولت از یکدیگر می‌کنم نظرم این نیست که روحانیون و نیروهای مذهبی حذف بشوند، بلکه آنها هم می‌توانند بدون داشتن امتیازی نسبت به سایر نیروها در بیکار سلطه ستیزانه و آزادیخواهان مردم ایران سهم خودشان را داشته باشند. اگر مردم به آنها رای دادند بر کرسی قدرت بنشینند. بنابراین، حزب ملت ایران در این مورد هم از اصول مردم سالاری پیروی می‌کند و بهمین دلیل نیز از آزادی فعالیت سیاسی آن نیروهای مذهبی جامعه نیز دفاع می‌کند که هم اکنون از سوی آقایان از فعالیت سیاسی محروم شده‌اند و حتی تحت پیگرد هم قرار دارند. تنها سخن بر سر این است که گرداندگی کشور در جهان کنونی نیاز به یک دگرگونی در اندیشه حاکم بر وضع کشور دارد که آن هم جدائی دین از دولت است.

راه‌توده: رؤس دیدگاه‌های خودتان را در این باره می‌توانید اعلام کنید؟

فروهر: در این مورد من می‌توانم از سر فصل‌های این برنامه سخن بگویم. برنامه دقیق نیاز به داشتن آمار و ارقام دارد. ما حزبی هستیم خواستار عدالت همگانی، دخالت دولت در سازندگی کشور، نسخه پچی‌های بخش خصوصی و اقتصاد بازار، که در واقع یک عده دلال و اختلاس‌گر مجری آن شده‌اند به درد کشور ما نمی‌خورد. اینها پشت شعار اقتصاد آزاد پنهان شده‌اند و مملکت را غارت کرده‌اند. غارت کشور، دلال بازی و بازگذاشتن درهای مملکت برای آنکه قدرت‌های بزرگ بیایند و هرگونه می‌توانند مملکت را به تاراج ببرند و سهمی هم به آقایان بدهند نامش اداره اقتصادی کشور نیست. تاسف آور است که همین آقای هاشمی و بقیه آقایان تحت شعار "اقتصاد اسلامی" و "حکومت عدل اسلامی" که گویا با همه دیگر اقتصادها تفاوت دارد، چنین بلائی را بر سر مردم ما و ایران عزیز ما آوردند. دزدی، فساد، اختلاس، فحشا، ترویج روحیه دلالی در سراسر کشور، بدهی‌باور نکردنی به قدرت‌های خارجی که گویا از مرز 45 میلیارد دلار هم گذشته است، حاصل این سیاست است. علاوه بر فقر و مسکنت حاکم بر کشور، از این طریق به فرهنگ و سنت‌های ملی ایران ضربه ای تاریخی وارد شده‌است. هویت ملی ما زیر ضربه قرار گرفته است. بخش خصوصی می‌تواند سرمایه از خودش داشته باشد، تکنولوژی داشته باشد و به میدان بیاید و توانائی خود را در راستای رشد ملی اقتصاد کشور نشان بدهد، اما در ایران کنونی بخش خصوصی یک مشت دلال‌اند که به اعتبارهای بانکی و اختلاس تکیه دارند و کارخانه‌ها و کشت و صنعت دولتی را به ثمن بخش می‌خرند و دولت هم دلال و واسطه چنین فاجعه‌ایست. حزب ما اعتقاد دارد که در کشوری نظیر ایران پشتیبانی و هدایت و حتی کنترل دولت از صنایع بنیادی مملکت ضروری است. بازار آزاد مال دوران شکوفائی اقتصاد است. دوران پاگیری اقتصاد. به همین دلیل است که می‌بینید دولت در همین اواخر و بر اثر فشار واقعیتی که از همان ابتدا به آنها گوشزد شده بود از برنامه خود عقب نشینی می‌کند و آنهم وقتی که ملت را تا گلو زیر قرض برده‌اند. این عقب نشینی در زمانی صورت گرفته است که برنامه "تعدیل اقتصادی" به نیروی انتظامی پناهنده شده است و آن را در پناه شلاق و تعزیر حفظ کرده‌اند! یعنی همگان یگانه هنری که برای اداره کشور طی همه این سالها داشته‌اند. حالا آن را برای اداره اقتصاد کشور هم به کار گرفته‌اند. سیاست‌های اینها تاکنون جز فلاکت برای مردم ما نتیجه‌ای نداشته‌است.

راه‌توده: به نظر ما حکومت در حالیکه انواع شعارها را می‌دهد، خود سرگرم بزرگترین زد و بندها و معاملات سیاسی با قدرت‌های امپریالیستی جهان است. در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی آن نیست که در حرف و شعار به مردم می‌گوید. بدین ترتیب است که جلب حمایت همین قدرت‌های امپریالیستی برای حفظ و تأیید حکومت موجود به یک هدف رقابتی بین دو گرایش در درون دولت کنونی تبدیل شده است و هرکدام سعی می‌کند پیش از دیگری این جلب حمایت را به هر وسیله ممکن بدست آورد. شما برای ایران کدام سیاست خارجی را مفید و ملی می‌دانید؟

فروهر: ملت ایران همواره خواسته است که در سیاست خارجی با همه ملت‌ها و دولت‌های متکی بر ملت‌ها رابطه خوب، برپایه احترام متقابل داشته باشد. دنیای کنونی، دنیای دشمنی و یا دوستی همیشگی و ابدی نیست. ما در هر هنگام باید سود فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ملت خودمان را تشخیص بدهیم. با سیاست مرگ بر این و مرگ بر آن که اکنون جانشین شعار مرگ بر امپریالیسم شده - که یک موقعی می‌گفتیم - سازوار نیستیم. شما می‌بینید که پشت همین شعارها چگونه دست قدرت‌های بزرگ را برای غارت اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه باز گذاشتند و اکنون هم استقلال ملی ما را بدست مشت دلال سپرده‌اند تا در پناه تفنگ و سرنیزه و سرکوب مخالفان این خیانت تاریخی در داخل کشور، آن را در بازار بین‌المللی نه تنها بفروشند بلکه بر باد بدهند. بنابراین ناوابستگی کامل و داشتن رابطه سود بخش ملی با همه کشورها به سود وطن ماست.

راه‌توده: افغانستان و سرنوشت آن، آنقدر به ایران و سرنوشت آن نزدیک است که مسائل مربوط به آن را چندان نمی‌توان در متن سیاست خارجی مطرح کرد، اما بهر حال و از آنجا که تعداد خوانندگان و علاقمندان افغانی نشریه راه‌توده روز به روز بیشتر



می‌شود اطلاع از دیدگاه حزب شما در باره حوادث اخیر این کشور بویژه پیشروی ارتجاعی ترین گروه‌های سیاسی-مذهبی در سراسر این کشور ویران شده بسیار جالب توجه خواهد بود.

فروهر: افغانستان سرنوشتی دردناک یافته است. امپریالیست‌ها، ارتش پاکستان و پول عربستان نفاق‌های هولناکی را در افغانستان بوجود آورده‌اند. تشکیل این گروه طالبان یک طرح امریکائی است و بیشتر بر ضد ایران است تا ضد جمهوری اسلامی. چه بسا که در بسیاری مسائل طالبان همان اندازه واپسگرا باشد و هست که گروه بزرگی از دولتمداران و بقدرت و ثروت دست یافتگان کنونی جمهوری اسلامی هستند.

راه‌توده: مسئله دفاع از مالکیت ایران بر سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را نیز درحقیقت یک امر داخلی باید ارزیابی کرد، اما چون با سیاست خارجی پیوند خورده است در اینجا مطرح و نظر حزب شما را بعنوان یک حزب ناسیونالیست می‌خواهیم بدانیم.

فروهر: من ابتدا حساب بازی‌های سیاسی را که درباره این سه جزیره راه انداخته‌اند و خود حکومت هم در آن نقش دارد از واقعیت مسئله جدا می‌کنم. واقعیت اینست که سه جزیره همواره ایرانی بوده‌اند و اصولاً جزایر خلیج فارس ایرانی بوده‌اند حتی آنهایی که امروز به استقلال رسیده‌اند و یا به شیخ نشین‌ها سپرده شده‌اند. این درک و اعتقاد حزب ملت ایران بوده و هست. از نظر بین‌المللی نیز شورای امنیت به برقراری و حفظ حاکمیت ایران بر این سه جزیره رای داده است و بدین ترتیب مسئله پایان یافته است. این نغمه‌ای که دوباره ساز شده، حق تاریخی مردم ایران را زیر علامت سؤال نمی‌برد. این کار قدرت‌های بزرگ است که از این کشور به عنوان مترسک علیه ایران استفاده می‌کنند. اینجا صحبت از جمهوری اسلامی نیست، صحبت از تمامیت ارضی ایران است و سازمان‌های بین‌المللی هم نمی‌توانند و نباید اجازه داد تصمیم‌های تاریخی را نادیده بگیرند. این هم یکی دیگر از نتایج بی‌سیاستی و حکومت بر اساس شعار و تحریک همگانی است.

راه‌توده: با توجه به وضع جسمی شما و عوارض جراحی بزرگی که روی شما صورت گرفته، اگر موافق باشید بقیه این گفتگو را به وقت دیگری موکول کنیم.

فروهر: با ادامه گفتگو و پیشنهاد شما موافقم و در عین حال از توجهی که به وضع جسمی کنونی من دارید تشکر می‌کنم. زیاد طول نخواهد کشید. خوشبختانه هنوز می‌توان از نیرومندی سال‌های جوانی کمک گرفت.

راه‌توده: البته ما علاوه بر نیروی جوانی، جسارت و شجاعت سال‌های پیش از پیروزی انقلاب را هم در شما می‌بینیم. سال 57 و در جریان یورش رنجرهای ارتش که فکر می‌کنیم زیر نظر سرلشکر خسروداد بود ند به مراسم کاروانسرا سنگی که شما در آنجا حضور داشتید و یا هنگام تشییع جنازه استاد نجات‌الهی در جریان حکومت نظامی که با آغاز تیراندازی به سوی مردم شما بالای ماشین حامل جنازه رفتید و پالتوی سیاه خودتان را در آوردید و خطاب به سربازها فریاد کشیدید: **بزنید!**